یادداشت روز

فروپاشی توهّمات سعودی‌ها در یمن

حسن رشوند

در ادبیات روابط بین‌الملل و مطالعات استراتژیک، همواره منازعات بر پایه توازن قوا و موازنه تهدید و شاخص‌های سخت‌افزاری نظامی سنجیده می‌شوند. طبق پارادایم واقع‌گرایی سنتی، طرفی که از بودجه‌های دفاعی نجومی، پیشرفته‌ترین سامانه‌های پدافندی و پشتیبانی تسلیحاتی ابرقدرت‌های جهانی برخوردار باشد، دست برتر را در میدان نبرد دارد. اما بازخوانی تحولات غرب آسیا طی دو دهه اخیر - به‌ویژه در صحنه نبرد یمن - این نظریه‌های تک‌بُعدی مادی را با چالشی بنیادین مواجه کرده است. قرآن کریم در چارچوب یک نگرش هستی‌شناختی و جامعه‌شناختی عمیق، قوانین حاکم بر تاریخ و جوامع را در قالب «سنن الهی» تبیین می‌کند. قوانینی تخلف‌ناپذیر که بر سرنوشت مستکبران و مستضعفان حاکم‌اند. تحولات میدانی روزهای اخیر در یمن، آزادسازی خیره‌کننده بیش از ۵۴۰۰ کیلومتر مربع از اراضی اشغالی، فروپاشی سازمان رزم ارتش مجهز سعودی، فرار تحقیرآمیز سربازان متجاوز سعودی و نیروهای اجاره‌ای آن و به غنیمت درآمدن انبوهی از تجهیزات آمریکا و کشورهای غربی توسط رزمندگان مقاومت یمن، دقیقاً تلاقی‌گاه تحقق سنت قرآنی و دگرگونی در معادلات کلان ژئوپلیتیکی است که یک گروه به‌ظاهر کوچک با ابتدایی‌ترین امکانات نظامی اما با اراده‌ای الهی و پولادین برای سعودی‌ها رقم زدند. خداوند متعال در قرآن کریم در سوره مبارکه بقره، آیه ۲۴۹، قانون بنیادین مواجهه جبهه حق و باطل را این‌گونه ترسیم می‌فرماید:

«کَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِیلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً کَثِیرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِینَ» چه‌بسا گروه اندکی که به توفیق خدا بر گروه بسیاری پیروز شدند و خدا با شکیبایان است.

همچنین این کتاب آسمانی و هدایت‌گر در سوره مبارکه انفال، آیه ۳۶، در تحلیل هزینه‌کردهای سرسام‌آور جبهه کفر و طواغیت عالم برای خاموش کردن نور حق، قاعده قطعی حسرت و مغلوبیت را چنین بیان می‌فرماید:

«إِنَّ الَّذِینَ کَفَرُوا یُنفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ لِیَصُدُّوا عَنْ سَبِیلِ اللَّهِ فَسَیُنفِقُونَهَا ثُمَّ تَکُونُ عَلَیْهِمْ حَسْرَةً ثُمَّ یُغْلَبُونَ» مسلماً کسانی که کافرند، اموالشان را هزینه می‌کنند تا مردم را از راه خدا بازدارند و به‌زودی همه اموالشان را [برای جلوگیری از گسترش اسلام] خرج می‌کنند؛ سپس [این عمل] برای آنان مایه حسرت و ندامت می‌شود [زیرا خواهند دید که ثروتشان را از دست داده‌اند و اسلام هم گسترش یافته] و آن‌گاه مغلوب می‌شوند.

از منظر تئوریک و اندیشه‌های سیاسی حاضر در جهان امروز هم، ائتلاف متجاوز با تکیه بر صدها میلیارد دلار خرید تسلیحاتی از کارتل‌های صنعتی ـ نظامی غرب، به‌ویژه (آمریکا، انگلستان و فرانسه)، در پی نابودی مقاومت مردمی یمن بود. اما بر اساس منطق قرآنی، هزینه‌های باطل نه‌تنها هدف آن‌ها را محقق نکرد، بلکه این اموال و تجهیزات در نهایت به مایه‌ای از حسرت، ندامت و در نهایت ابزاری در دست جبهه حق برای اضمحلال خود آنان تبدیل شد.

در همین چارچوبِ سنن الهی بود که امام شهید انقلاب، حضرت آیت‌الله‌العظمی امام سید علی خامنه‌ای (قُدِّسَ اللهُ نَفْسَهُ الزَّکِیَّةُ)، در اول فروردین ۱۳۹۸ در جوار بارگاه منور رضوی (ع)، در اوج هیاهوی رسانه‌های استکباری درباره سرازیر شدن پیشرفته‌ترین سامانه‌های موشکی و راداری غربی به ریاض، با آرامش و بصیرتی مثال‌زدنی فرمودند:

«من از تجهیزات و امکاناتی که غرب در اختیار عربستان قرار می‌دهد، نگران نیستم، چون این‌ها ان‌شاءالله در آینده‌ای نه‌چندان دور به دست مجاهدان اسلام خواهد افتاد.»

امروز در شهریور ۱۴۰۵ پس از ۸ سال از آن وعده صادق الهی، صحنه‌های منتشرشده از پایگاه راهبردی «خالد» در محور المخا، جزیره میون، تعز، الجوف و مناطق ساحلی مشرف به دریای سرخ، سندی قطعی بر تحقق این بشارت تاریخی است. تصاویر رژه تانک‌های آبرامز، نفربرهای بردلی و انبارهای مملو از مهمات ساخت آمریکا، فرانسه و انگلیس با پرچم‌های مقاومت و فریاد «هَیْهَاتَ مِنَّا الذِّلَّةُ» رزمندگان یمنی، گویای آن است که گاوهای شیرده استکبار، با دلارهای نفتی خود، انبارهای لجستیکی مجاهدان اسلام را تجهیز کرده‌اند! عملیات رزمندگان یمنی به مواضع سعودی از جهات مختلف حائز اهمیت است تا آنجا که باید طراحی و اجرای این عملیات گسترده در دانشگاه‌های نظامی به‌عنوان یک منبع درسی تدریس شود. اما در این رابطه چند نکته قابل گفتن است:

۱- به نظر می‌رسد ابعاد نظامی عملیات اخیر رزمندگان یمنی فراتر از یک پیشروی تاکتیکی است و می‌توان گفت که در خطوط دفاعی نیروهای سعودی و ائتلاف آن‌ها یک زلزله بزرگ رخ داده است. در این عملیات غیرقابل‌پیش‌بینی سعودی‌ها یک سلسله اتفاقاتی افتاد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

- آزادسازی خیره‌کننده بیش از ۵۴۰۰ کیلومتر مربع از مناطق اشغالی یمن، فرار و هلاکت صدها تن از نظامیان و مزدوران ائتلاف سعودی و به غنیمت درآمدن کوهی از پیشرفته‌ترین زره‌پوش‌ها، پهپادها و سامانه‌های پدافندی و موشکی آمریکایی و غربی، بیش از هر چیز، تحقق یک پیش‌بینی الهی و راهبردی را به رخ جهانیان کشید.

- تسلیم و متلاشی شدن حداقل سه تیپ از نیروهای ائتلاف و مزدوران تحت امر ریاض در مناطق حیس، المخا و تعز نشان داد که ارتش اجاره‌ای سعودی فاقد هرگونه انگیزه و تاب‌آوری در برابر یورش‌های برق‌آسای مقاومت است.

- ده‌ها دستگاه خودروی زرهی ضدکمین، سامانه‌های هدایت الکترونیکی و موشک‌های تاو که ریاض با قیمت‌های گزاف از واشنگتن خریداری کرده بود، اکنون مستقیماً در زرادخانه انصارالله برای تغییر توازن قوا به کار گرفته شده است.

- درست مانند فرار مفتضحانه آمریکایی‌ها از افغانستان، کارشناسان و افسران ارشد سعودی نیز مواضع مستحکم خود را رها کرده و با پشت سر گذاشتن پیشرفته‌ترین تجهیزات، به عمق خاک عربستان گریختند.

۲- دلاورمردان یمنی با تسلط بر این مناطق، رگ حیاتی استکبار را در زیر اهرم فشار خود قرار دادند. چراکه پیامد راهبردی این پیروزی عظیم، بیش از ریاض، تل‌آویو، واشنگتن و لندن را به وحشت انداخته است. با تسلط مجاهدان انصارالله بر مناطق حساس «المخا»، «ذباب» و اشراف بر جزیره میون در دهانه تنگه باب‌المندب، کنترل این آبراه حیاتی جهان رسماً در دستان پولادین مقاومت تثبیت شد. تنگه باب‌المندب که شریان حیاتی انتقال نفت و تجارت شرق و غرب و گلوگاه تنفسی رژیم صهیونیستی در بندر ایلات است، اکنون زیر رصد مستقیم سامانه‌های موشکی و پهپادی مقاومت یمن قرار دارد. این یعنی:

- پایان امنیت کشتیرانی رژیم صهیونیستی و حامیان غربی در باب‌المندب. با این اقدام رزمندگان قهرمان یمن، هرگونه تحرک ناوگان جنگی آمریکا و ائتلاف دریایی غرب در دریای سرخ، از این پس مشروط به اراده مجاهدان صنعاست.

- این اقدام به‌موقع و حساب‌شده، باطل‌السحر ائتلاف‌های ساختگی دریایی بود که آمریکا و سعودی به همراه دنباله‌های هابی آن‌ها در منطقه در صدد ایجاد آن بودند. با این حرکت رزمندگان یمنی، مانورها و ائتلاف‌های پوشالی واشنگتن برای تأمین امنیت شریان‌های صهیونیستی، عملاً در برابر اراده و تسلط سرزمینی انصارالله بی‌اثر شده است.

۳- تحولات اخیر در یمن حامل یک پیام بسیار روشن برای حکام سعودی بود. تکیه بر تجهیزات آمریکایی و دل‌خوش کردن به چترهای امنیتی غربی، سرابی بیش نیست. آل‌سعود که سال‌ها ثروت‌های امت اسلامی را صرف خرید جنگ‌افزارهای آمریکایی برای کشتار زنان و کودکان یمنی کرده است، امروز می‌بیند که سلاح‌هایش به غنیمت گرفته شده و مرزهایش آسیب‌پذیرتر از هر زمان دیگری است. ریاض باید بفهمد که تنها مسیر تضمین امنیت، تن دادن به خواست ملت یمن، پایان دادن کامل به محاصره و تجاوز و درک جایگاه نوین جمهوری اسلامی و محور مقاومت در منطقه است. خروج از باتلاق یمن با نمایش‌های رسانه‌ای ممکن نیست؛ چراکه یمن امروز دیگر یمن سال ۲۰۱۵ نیست؛ یمن امروز، یک ابرقدرت منطقه‌ای صاحب موشک‌های هایپرسونیک، پهپادهای نقطه‌زن و ارتشی میلیونی و شکست‌ناپذیر است.

بقیه در صفحه ۷

گزارش خبری تحلیلی کیهان

دیکته آمریکا به عربستان ثابت کرد نشست عمان تله بود

سرویس سیاسی-

تعویق نشست صلاله به درخواست عربستان که صرفاً به‌عنوان مهمان و مستمع دعوت شده بود، نشان داد که پشت این ابتکار منطقه‌ای، «تله‌ای دیپلماتیک» پنهان بود؛ ریاض فراتر از مستمع و به عنوان عامل آمریکا در نشست حاضر می‌شود که برای دستاوردهای ایران دندان تیز کرده و در کمین اهرم فشاری چون تنگه هرمز است.

تعویق نشست عمان به درخواست عربستان نشان داد که ریاض نقشی فراتر از یک مستمع دارد و به اهرمی برای فشار بر روند ابتکار ایران و عمان تبدیل شده که در کمین خروجی نشست، موضع گرفته است.

ریاض تلاش دارد که خروجی نشست را به سود آمریکا تنظیم کند؛ از این رو به بهانه حمله یمن به خطوط لوله، درخواست تعویق نشست را کرد که با موافقت عمان این تاخیر حاصل شد.

اعلام نشست عمان و حضور سایر کشورها به عنوان مستمع

۲۱ شهریور ۱۴۰۵، اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه در جریان سفر به شهرستان «لامرد» با حضور در جمع خبرنگاران خارجی و داخلی از نشستی با حضور وزیران امور خارجه کشورهای ساحلی خلیج‌فارس در عمان خبر داد. بقایی گفت: در این نشست، موضوع تلاش‌های ایران و عمان برای رسیدن به تفاهم درباره مسیرهای موقت کشتیرانی در تنگه هرمز تشریح خواهد شد و نتایج مذاکرات ایران و عمان نیز با وزیران امور خارجه کشورهای ساحلی خلیج‌فارس در میان گذاشته خواهد شد.

بنا بر سخنان بقایی، کشورهای منطقه صرفاً به‌عنوان مستمع در این نشست حضور داشتند و فلسفه دعوت از آنها، اطلاع و آگاهی از تصمیم مشترک ایران و عمان درباره آمد و شد در تنگه هرمز بود.

خبرگزاری مهر نیز عصر همان روز (۲۱ شهریور) به نقل از یک منبع آگاه نوشت: این تفاهم صرفا میان ایران و عمان است و سایر کشورها فقط به این خاطر که در جریان جزئیات مسیر و ترتیبات تردد قرار گیرند در جلسه حضور خواهند داشت تا به‌صورت تلویحی عدم مخالفت آن‌ها نیز برای جامعه جهانی مشخص شود. در این جلسه علاوه‌بر ایران و عمان و سایر کشورهای ساحلی خلیج‌فارس، عراق هم حضور خواهد داشت.

هشدار کیهان

روزنامه کیهان روز یکشنبه با تیتر «عمان حافظ منافع آمریکاست، نشست مسقط تله است، مراقب باشید!» نسبت به این ابتکار فریبنده منطقه‌ای هشدار داد و با طرح پرسشی نوشت: «سؤال اساسی و حیاتی این است در شرایطی که دشمن در میدان نظامی و کارزار اقتصادی به درهای بسته خورده، چرا باید دست برتر و کارت برنده ایران در تنگه هرمز، روی میز مسقط گذاشته شود؟».

یک روز پس از هشدار کیهان، نشست مسقط به درخواست عربستان که به عنوان مستمع دعوت شده بود توسط عمان به تعویق افتاد و شک و تردید درخصوص «تله دیپلماتیک» را افزایش داد.

تعویق نشست و پشت پرده‌های آن

«علی‌هاشم»، خبرنگار الجزیره روز دوشنبه (۲۳ شهریور ۱۴۰۵) نوشت: نشست عمان به درخواست عربستان سعودی و در پی حملات به خطوط لوله به تعویق افتاد؛ «بدر البوسعیدی» وزیر امور خارجه عمان نیز اعلام کرد که نشست عمان در راستای «دستیابی به اجماع» به تعویق افتاده است.

اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت خارجه نیز در نشست خبری روز دوشنبه (۲۳ شهریور) گفت: انتظار می‌رفت کشورهای منطقه فرصت‌شناس باشند و قدر چنین موقعیت‌هایی را بدانند... باید دور یک میز بنشینیم و درباره ایجاد منطقه‌ای امن و به دور از مداخله بازیگران مخرب خارجی گفت‌وگو کنیم، این نشست فرصت بسیار مناسبی بود... عربستان درخواست کرده است که این نشست فعلاً برگزار نشود.

عربستان به بهانه حمله مقاومت یمن به خطوط انتقال نفت، نشست عمان را به تعویق انداخت؛ درحالی‌که ریاض نقشی کلیدی در این نشست نداشت و حضور یا عدم حضور یک مستمع تأثیری بر نتیجه مذاکرات نمی‌گذاشت.

تعویق نشست به درخواست عربستان ثابت کرد که ریاض نقشی فراتر از یک «مستمع» دارد؛ مسئله اصلی حضور عربستان نیست؛ بلکه امکان اثرگذاری آن بر روند و نتیجه ابتکار تهران و مسقط است.

حضور ریاض در این نشست، نه صرفاً در جایگاه یک کشور مستقل، بلکه در قامت بازیگری همسو با منافع آمریکا، می‌تواند دستاوردهای ایران را به «وجه‌المعامله» تبدیل کند؛ به‌گونه‌ای که آنچه ایران امروز به‌عنوان یک اهرم و دستاورد عینی در اختیار دارد، در ازای وعده‌ها و امتیازات نسیه روی میز مذاکره قرار گیرد.

عربستان به بهانه حمله یمن درخواست تعویق نشست را کرد و نشان داد که قدرت تاثیرگذاری بر روند یک امر دیپلماتیک را دارد؛ بعید نیست که با بسته‌ای پیشنهادی آمریکا در نشست حاضر شود تا با وعده‌های فریبنده و فاقد تضمین، اهرم فشار و دستاوردهای میدان را به صورت نسیه خریداری کند.

خطای غیرقابل چشم‌پوشی وزیر خارجه عمان

وزیر خارجه عمان به عنوان عالی‌ترین مقام دیپلماسی این کشور، به طور طبیعی باید نسبت به نمادهای ملی کشورهای همسایه اشراف و حساسیت لازم را داشته باشد.

«بدر ابوالسعیدی» وزیر خارجه عمان، در پیامی در شبکه اجتماعی ایکس، پرچم کشورهای مختلف منطقه را در کنار یکدیگر به نشانه دوستی قرار داده است؛ اما در میان پرچم‌های کشورهای همسایه از جمله عراق، بحرین، عربستان و عمان و... به جای پرچم جمهوری اسلامی ایران، پرچمی جعلی و در واقع تصویری از پرچم شیر و خورشید قرار داده شده است؛ اقدامی که اگرچه ممکن است از سوی طرف عمانی «اشتباه» تلقی شود، اما به دلیل جایگاه منتشرکننده و حساسیت نمادهای ملی، نمی‌توان به سادگی از کنار آن عبور کرد.

این در حالی است که بایستی طوری در این توئیت پرچم ایران تعبیه و جاگذاری می‌شد که فضای سیاسی توئیتر نیز نتواند آن را تغییر دهد و پرچم رسمی کشورمان در کنار پرچم کشورهای دیگر جای بگیرد.

وزیر خارجه عمان به عنوان عالی‌ترین مقام دیپلماسی این کشور، به طور طبیعی باید نسبت به نمادهای ملی کشورهای همسایه اشراف و حساسیت لازم را داشته باشد. از این رو، استفاده از یک پرچم غیررسمی به جای پرچم جمهوری اسلامی ایران، آن هم در پیامی که اساساً با هدف نمایش همگرایی و همراهی کشورهای منطقه منتشر شده، خطایی عادی و کم‌اهمیت نیست و می‌تواند پیام‌های سیاسی ناخواسته‌ای را به افکار عمومی منتقل کند.

به گزارش فارس، مسئله زمانی حساس‌تر می‌شود که بدانیم پرچم شیر و خورشید سال‌هاست از سوی بخشی از جریان‌های برانداز و سلطنت‌طلب به عنوان نماد سیاسی مورد استفاده قرار می‌گیرد. بنابراین، قرار دادن این نماد در جایگاه پرچم رسمی ایران می‌تواند از سوی این جریان‌ها با ذوق‌زدگی به عنوان نشانه‌ای از به‌رسمیت‌شناختن یا همراهی یک کشور منطقه‌ای با آنان مورد بهره‌برداری تبلیغاتی قرار گیرد؛ حتی اگر نیت اولیه منتشرکننده چنین چیزی نبوده باشد!

از همین منظر، انتظار می‌رود وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران نسبت به این موضوع تذکر و توضیح رسمی لازم را از طرف عمانی مطالبه کند. روابط دوستانه تهران و مسقط، دقیقاً اقتضا می‌کند که در چنین مواردی حساسیت‌های متقابل مورد توجه قرار گیرد و موضوعی که می‌تواند در فضای رسانه‌ای و سیاسی بازتاب گسترده‌ای پیدا کند، نمی‌تواند بدون توضیح و اصلاح باقی بماند.

از سوی دیگر، این اتفاق می‌تواند در حوزه دیپلماسی عمومی عمان نیز هزینه‌ساز باشد. عمان طی سال‌های گذشته تلاش کرده است جایگاه خود را به عنوان کشوری دوست و میانجی در روابط منطقه‌ای تثبیت کند و طبیعتاً حفظ اعتماد افکار عمومی ایران برای چنین نقشی اهمیت ویژه‌ای دارد.

استفاده از نمادی که در فضای سیاسی امروز ایران دارای بار کاملاً مشخصی است، می‌تواند این اعتماد را تحت تأثیر قرار دهد. آن هم در زمانه‌ای که کشور ما درگیر جنگ تحمیلی آمریکاست و این موضوع می‌تواند به عنوان شیطنت دیپلماتیک از سوی افکارعمومی و همچنین همراهی با دشمن تعبیر شود!

مهم‌ترین مسئله همین است که در دیپلماسی، نمادها نیز سخن می‌گویند و بیش از همه همین نمادها تعابیر خاصی را در فضای سیاسی رسانه‌ای متبادر می‌کنند.

وقتی یک مقام رسمی در جایگاه وزیر خارجه، پرچم یک کشور را در کنار پرچم سایر کشورها قرار می‌دهد، هر نماد انتخاب‌شده می‌تواند حامل پیام سیاسی تلقی شود. به همین دلیل، افکار عمومی ایران به‌سادگی نمی‌تواند بپذیرد که چنین خطایی از سوی عالی‌ترین مقام دیپلماسی یک کشور همسایه صرفاً یک اشتباه ساده بوده است.

این ماجرا هرچه باشد نباید به طور ساده از کنار آن عبور کرد و قلم اشتباه و خطا بر روی آن کشید. بلکه بایستی این موضوع با برخورد جدی ایران و تصحیح کامل و عذرخواهی مناسب از سوی عمان پوشش داده شود؛ وگرنه عدم سختگیری در این حوزه ممکن است به تکرار آن و توهین به ماهیت ایران اسلامی منجر شود.

اقدام مغایر با اصول حقوق بین‌الملل اتریش در لغو روادید هیئت ایرانی

ممانعت اتریش از ورود هیئت جمهوری اسلامی ایران و لغو روادید معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان انرژی اتمی ایران، در هفتادمین نشست کنفرانس عمومی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در وین، با موجی از اعتراضات دیپلماتیک‌وواکنش‌های بین‌المللی مواجه شد.

هفتادمین نشست کنفرانس عمومی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در وین، از همان نخستین ساعات افتتاح خود، تحت‌الشعاع یک تصمیم و اقدام غیر قانونی قرار گرفت. عدم صدور روادید و لغو آن برای حضور محمد اسلامی، معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی ایران، موجی از واکنش‌ها را به همراه داشت.

لغو صدور روادید توسط اتریش نقض جدی حقوق ایران است

رضا نجفی، نماینده ایران نزد سازمان‌های بین‌المللی در وین، واکنش شدیدی به این اقدام نشان داد و اظهار داشت: عدم صدور روادید برای رئیس سازمان انرژی اتمی ایران قطعاً یک مسئله جزئی اداری یا خطای انسانی نیست، بلکه نقض جدی حقوق کشور ما به‌عنوان یکی از اعضای این آژانس است.

وی گفت: این اقدام، حق کشورمان برای حضور در کنفرانس عمومی از طریق نماینده‌ای به انتخاب خود را مخدوش و امتیازات ضروری برای انجام وظایف نمایندگان که در اساسنامه و موافقت‌نامه امتیازات و مصونیت‌ها پیش‌بینی شده است را تضعیف می‌کند.

نجفی افزود: از کشور میزبان می‌خواهیم فوراً این نقض تعهد را برطرف کند. انتظار اقدام اصلاحی فوری داریم و خواستار تضمین‌هایی هستیم که چنین وقایعی تکرار نخواهد شد.

این موضع‌گیری نشان‌دهنده ابعاد حقوقی و بین‌المللی بحرانی است که اتریش با ممانعت از ورود هیئت رسمی ایران ایجاد کرده است.

اولیانوف: اتریش با لغو روادید مقام ایرانی تعهدات خود را نقض کرده است

همزمان با مقامات ایرانی، روسیه نیز با لحنی صریح به این رفتار اتریش اعتراض کرد. میخائیل اولیانوف، نماینده دائم فدراسیون روسیه نزد سازمان‌های بین‌المللی در وین روز دوشنبه(۲۳شهریورماه) در کنفرانس عمومی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در وین در واکنش به عدم صدور روادید برای رئیس سازمان انرژی اتمی ایران جهت سفر به اتریش گفت: ما نمی‌توانیم وضعیت بسیار نامناسب پیرامون صدور روادید ورود برای محمد اسلامی، معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی ایران- که قرار بود برای شرکت در مراسم افتتاحیه هفتادمین نشست کنفرانس عمومی آژانس به وین سفر کند- را نادیده بگیریم.

وی افزود: جمهوری اتریش با لغو روادید آقای اسلامی در آخرین لحظه- روادیدی که پیش‌تر صادر شده بود- تعهدات خود ذیل توافق‌نامه با آژانس درخصوص مقر این نهاد در وین را به شدت نقض کرده است. این اقدام در شرایطی صورت گرفت که برخی اعضای شورای امنیت سازمان ملل اظهاراتی را تحت پوشش «کمیته غیرقانونی ۱۷۳۷» مطرح کرده و ریاست فعلی شورای امنیت نیز عملاً آن را تأیید کرده بود؛ اتریش نیز به نوبه خود از این اظهارات به عنوان بهانه‌ای برای ممانعت از ورود آقای اسلامی به خاک خود استفاده کرد.

اولیانوف در ادامه در واکنش به تلاش غرب برای سیاسی کاری علیه ایران اظهار داشت: در این راستا، خاطرنشان می‌کنیم که هیچ‌گونه تحریمی از سوی شورای امنیت علیه ایران وجود ندارد و کمیته تحریم ۱۷۳۷ نیز دیگر موجودیت ندارد. ادعاهای بریتانیا، فرانسه و آلمان مبنی بر فعال شدن سازوکار موسوم به «اسنپ‌بک» (بازگشت خودکار تحریم‌ها)، از نظر رویه‌ای و حقوقی فاقد اعتبار و باطل است.

وی افزود: اعتبار مفاد قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل در تاریخ ۱۸ اکتبر ۲۰۲۵ پایان یافته است. بر این اساس، اتریش هیچ مبنای موجهی برای عدم انجام تعهدات خود به عنوان کشور میزبان- مبنی بر تضمین مشارکت بدون مانع نمایندگان رسمی کشورهای عضو آژانس در فعالیت‌های ارکان سیاست‌گذار این نهاد- نداشته است.

نماینده روسیه خاطرنشان کرد: آنچه در واقع شاهد آن هستیم، کارزاری تمام‌عیار از سوی کشورهای غربی برای اعمال خودسرانه محدودیت‌های روادیدی با هدف تسویه‌حساب با کشورهایی است که آن‌ها را نامطلوب می‌دانند. در این مورد خاص، بانیانِ تلاش برای جلوگیری از مشارکت رئیس هیئت ایرانی در کنفرانس عمومی آژانس، ظاهراً حتی این واقعیت را در نظر نگرفته‌اند که این مجمع، بستری مهم برای ایجاد پل ارتباطی میان تهران و آژانس محسوب می‌شود. چنین اقدامات تقابل‌جویانه‌ای تنها وضعیت دشوار حاکم بر روابط تهران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را که ناشی از اقدامات خصمانه آمریکا و اسرائیل علیه تأسیسات هسته‌ای ایران (تحت نظارت پادمان‌های آژانس) است، وخیم‌تر خواهد کرد.

وی تصریح کرد: موضع ما بر این اصل استوار است که زمان پایان دادن به برخوردهای سلیقه‌ای و خودسرانه درخصوص صدور روادید فرا رسیده است. استفاده از مسائل مربوط به روادید به عنوان ابزاری برای اعمال فشار و اجبار، سیاستی نامعقول و غیرمسئولانه است. ما از اعضای مسئول جامعه بین‌المللی می‌خواهیم که پیامدهای واقعی این رویکرد را مد نظر قرار دهند.

بلومبرگ: آمریکا مانع شرکت اسلامی در نشست آژانس شد

در همین حال، زوایای آشکارتری از فشار دیپلماتیک پشت پرده افشا شده است. رسانه آمریکایی بلومبرگ به نقل از یک مقام آمریکایی مدعی شد که اتریش مانع ورود محمد اسلامی، رئیس سازمان انرژی اتمی و معاون رئیس‌جمهور ایران در امور هسته‌ای، به این کشور برای شرکت و سخنرانی در کنفرانس عمومی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی شده است. طبق این گزارش، اسلامی قرار بود در نشست نهاد ناظر هسته‌ای سازمان ملل سخنرانی کند.

پیش‌تر گزارش داده شده بود که او برای شرکت در هفتادمین کنفرانس عمومی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تهران را به مقصد وین ترک کرده است.

به گزارش بلومبرگ، سخنگوی دولت اتریش اظهارنظر درباره این موضوع را به وزارت امور خارجه این کشور ارجاع داد؛ وزارت خارجه اتریش هم به درخواست برای اظهارنظر پاسخ نداد.

طبق این گزارش، به استناد مقام آمریکایی مذکور، جلوگیری از ورود اسلامی به اتریش پس از آن صورت گرفت که درخواست معافیت وی از تحریم‌ها که از سوی سازمان ملل مطرح شده بود و امکان ورود این مقام ایرانی به اتریش را فراهم می‌کرد، در پی فشار آمریکا رد شد.

گفت و شنود

قبول شدی یا نه؟!

گفت: نشریه آمریکایی «فارن پالیسی» با ارائه اسناد و شواهد فراوان نشان داده است که آمریکا در جنگ با ایران شکست سختی خورده است.

گفتم: چشم‌بسته غیب گفته است؟! این واقعیت را که تقریباً تمامی صاحب‌نظران و مقامات و رسانه‌های دنیا اعلام کرده‌اند.

گفت: تیتر فارن پالیسی برای این گزارش بازتاب زیادی داشته است. تیتر زده که «چگونه پنتاگون در مقابل ایران زمینگیر شده است».

گفتم: هفته گذشته «جی. دی. ونس»، معاون ترامپ هم در تماس با فرماندهان نظامی آمریکا نظر آنها را درباره جنگ با ایران جویا شده و از آنها خواسته بود که نظراتشان را بدون پرده‌پوشی و نگرانی از عواقب آن اعلام کنند و آنها با صراحت به شکست آمریکا اعتراف کرده بودند.

گفت: پس بگو که چرا ترامپ پاسخ این پرسش را که آمریکا پیروز شد یا شکست خورده است، به بعد موکول می‌کند و جواب روشنی نمی‌دهد؟!

گفتم: یارو از امتحان رانندگی برگشته بود. رفقایش پرسیدند قبول شدی یا نه؟ گفت: هنگام آزمایش با یک کامیون تصادف کردم و افسر آزمایش‌کننده بیهوش شد و به کما رفت. باید از کُما خارج شود تا ببینم قبول شده‌ام یا نه!

نکته

جای آن است که خون موج زند در دل لعل!

۱- ابتدا به این خبر از جشنواره فیلم ونیز توجه کنید! دو تن از مستندسازان رژیم صهیونیستی که فیلم مستند آنها جایزه ویژه هیئت داوران جشنواره فیلم ونیز را دریافت کرده بود، از سوی رژیم صهیونیستی سلب تابعیت شده و اجازه بازگشت آنها به اسرائیل داده نشده است. می‌پرسید چرا؟! برای این‌که در فیلم مستند این دو کارگردان (یووال آبراهام و راشل زور) به برخی از جنایات رژیم صهیونیستی در غزه اشاره شده بود. «میکی زوهار»، وزیر فرهنگ رژیم صهیونیستی، فیلم مستند این دو کارگردان (نازا) را نفرت‌انگیز! نامیده و تاکید کرد که آنها نمی‌توانند تابعیت اسرائیل را داشته باشند.

۲- حالا نگاهی به این سوی ماجرا بیندازید. کسانی که چندین سال (بعد از فرار از کشور)، با عنوان اپوزیسیون و مخالف جمهوری اسلامی ایران در آمریکا و اروپا ساکن بوده و در رسانه‌ها و مجامع آن کشورها، بدترین اهانت‌ها و زشت‌ترین فحاشی‌ها را علیه اسلام، نظام، مردم شریف ایران و حضرت امام راحل و امام شهیدمان داشته‌اند، بی‌آن‌که با کمترین مانع و یا مؤاخذه‌ای روبه‌رو شوند به کشور مراجعت کرده‌اند! آن یکی علناً گفته و نوشته بود که بزرگ‌ترین آرزویش [نستجیر بالله] به قتل رساندن آیت‌الله خامنه‌ای است. فلان کارگردان که اخیراً هنرپیشه زن فیلم وطن‌فروشانه و ضدایرانی او در جشنواره فیلم ونیز یک جایزه دست چندم گرفته است، یک روز بعد از شهادت آقای شهیدمان در صفحه اینستاگرام خود از این فاجعه با بیانی شرم‌آور ابراز خوشحالی می‌کند و... هنرپیشه زن فیلم او طی سخنانی در جشنواره «ونیز» به جمهوری اسلامی، مردم ایران و مخصوصاً زنان این مرز و بوم [همان‌ها که تجمع چند ماهه آنها در خیابان‌ها و میدان‌ها آمریکا و رژیم صهیونیستی را به زانو در آورده است] اهانت می‌کند.

خانم مهاجرانی، سخنگوی دولت، از تلاش و پیگیری خود برای بازگرداندن برخی از چهره‌های ضدانقلاب و فراری به کشور خبر می‌دهد... این رشته سر دراز دارد و شرح آن مصداق «مثنوی هفتاد من کاغذ» است که بخش‌هایی از آن را در گزارش امروز کیهان با عنوان «نشانه‌های نفوذ در مراکز تصمیم‌ساز؛ از بازگشت چهره‌های وطن‌فروش تا لگدپرانی در جشنواره‌های خارجی» آورده‌ایم و شرح مفصل‌تر را به بعد موکول می‌کنیم.

۳- اکنون سؤال آن است که در این میان، دستگاه‌ها و مراکز فرهنگی، قضائی، اطلاعاتی و امنیتی چه می‌کنند؟! چگونه می‌توانند این همه زشتی، پلشتی، وطن‌فروشی و اهانت بی‌شرمانه به مقدساتی که خون صدها هزار شهید پای آن ریخته شده را ببینند و دم بر نیاورند؟! و اگر نمی‌بینند و اطلاع ندارند که حضورشان در این مراکز سیاست‌پرداز و تصمیم‌ساز چگونه قابل توجیه خواهد بود؟!

باید از عمق جان با خواجه شیراز همنوا شده و زبان به گلایه -که نه- به اعتراض گشوده و فریاد برآوریم:

جای آن است که خون موج زند در دل لعل
زین تغابن که خزف می‌شکند بازارش

حسین شریعتمداری

خبر ویژه

توهین روزنامه زنجیره‌ای به ملّت مبعوث

روزنامه زنجیره‌ای «شرق» در ادامه خط تحریف و تخریب سرمایه‌های اجتماعی نظام، در گزارش صفحه اول خود با عنوان «تندروها این بار علیه اهل خانه»، اهانت به میلیون‌ها ایرانی مبعوث را به اوج رساند.

این روزنامه زنجیره‌ای با خودستایی ویژه و «اهل خانه» پنداشتن خود و هم‌فکرانشان، اجتماع عظیم مردمی را که بیش از شش ماه است در میدان دفاع از اقتدار کشور حضور دارند، با برچسب‌هایی چون «اقلیت» و «تندرو» هدف حملات کینه‌توزانه قرار داده است.

«شرق» در این گزارش با نگران‌نمایی از شعارهای شبانه مردمی نوشت: « آنچه این روزها در بعضی تجمعات شنیده می‌شود، فقط یک دعوای سیاسی نیست. چگونه می‌توان همزمان از ممنوعیت دوگانه «جنگ یا مذاکره» سخن گفت و موافق یک سوی همین بحث را با ادبیاتی از جنس خیانت، نفوذ یا شعار مرگ پاسخ داد؟.»

این روزنامه با قلب واقعیت و مخدوش جلوه دادن مطالبات انقلابی، مدعی می‌شود که این اجتماعات از هدف اصلی خود منحرف شده‌اند: «اجتماعی که با نام وطن آغاز شده بود، اگر به محلی برای مشخص‌کردن اینکه چه کسی حق دارد درباره سیاست کشور حرف بزند و چه کسی حق ندارد تبدیل شود، معنای دیگری پیدا می‌کند.» نویسنده این گزارش حتی حضور امت حزب‌الله در خط مقدم بصیرت را نشانه عبور از مرزها خوانده و ادعا می‌کند: «جریانی که سال‌ها خود را مدافع تصمیمات کلان نظام معرفی کرده، امروز در بعضی موارد حتی با مسئولانی درگیر می‌شود که مجری همان تصمیمات رسمی‌اند.»

غرب‌گرایان برای تکمیل این سناریو، به سراغ چهره‌های حزبی رفته‌اند. این رسانه به نقل از حسین کمالی، دبیرکل حزب اسلامی کار ادعا می‌کند: «تندروی یک اقلیت، نظر عموم مردم نیست» و با بازنشر سخنان محسن هاشمی مدعی می‌شود: «دیگر نمی‌شود نام این جریان را فقط انقلابی گذاشت.»

اما تناقض‌گویی و عصبانیت ج